

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۴

(ص ۷-۱۲)

دو اصطلاح مسیحی در زبان‌های شمال قفقاز

گارنیک آساطوریان*

چکیده

در این مقاله به دو اصطلاح مسیحی *xčanč* و *gʷatlan* در زبان آواری از زبان‌های شمال قفقاز پرداخته شده است. *xčanč* در آواری بی‌شک برگرفته از واژه *xac* در زبان ارمنی است، ولی *gʷatlan* در این زبان وجه اشتقاق روشنی ندارد. نگارنده در یادداشت حاضر کوشیده است ریشه این واژه را در زبان ارمنی جستجو کند.

کلیدواژه‌ها: *gʷatlan*، آواری، ارمنی، اصطلاحات مسیحی

درآمد

چنان‌که می‌دانیم پیش از ورود اسلام به شمال قفقاز، بسیاری از مردم این مرزوبوم پیرو آیین مسیح بوده‌اند. مسیحیت در این سرزمین، بیشتر به‌وسیلهٔ مبلغان ارمنی و گرجی گسترش یافته‌است، اما از سده‌های نهم تا دوازدهم میلادی، به تدریج تمام این جزیرک‌های مسیحی به اسلام گرویدند و آثاری از خود برجای گذاشتند. ورود مسیحیت به داغستان و اصولاً شمال قفقاز از طریق نواحی ساحلی داغستان اتفاق افتاده‌است. نخستین اشاره به رواج مسیحیت به‌وسیلهٔ کلیسای حواری ارمنی در داغستان به قرن چهارم میلادی بازمی‌گردد. یکی از نسخه‌های «دربندنامه» به پذیرش مسیحیت از سوی ساکنان دربند در سال ۳۵۵ میلادی اشاره می‌کند (Gasanov, 2001: 81 ff.). پس از این دوره نیز فعالیت مبلغان مسیحی ادامه یافت و این دین با تأسیس معبد مسیحی دربند که بعدها به مسجد جامع تبدیل شد، در این منطقه مستقر گردید. به‌طورکلی باید گفت کلیسای ارمنی در اشاعهٔ مسیحیت در شمال قفقاز نقش بسزایی ایفا کرده‌است. البته یکی از علل مهم رواج مسیحیت در شمال قفقاز نتیجهٔ گسترش نفوذ سیاسی شاهان ارمنستان در منطقه بوده‌است.

نخستین شواهد رواج مسیحیت در این منطقه مربوط به سده‌های هفتم و هشتم میلادی است، ولی باید توجه داشت که اسلام به‌دشواری در این سرزمین استقرار یافته و تا قرن ۱۴-۱۳ میلادی رواج تام و تمام نداشته‌است.

متأسفانه بسیاری از آثار تاریخی مرتبط با مسیحیت در نواحی شمال قفقاز، در سده‌های بعد از میان رفته و اثری از آنها باقی نمانده‌است و تنها گورستان‌های مسیحی و کشف آنها می‌تواند داده‌های جدیدی در اختیار پژوهشگران قرار دهد. چنین نمونه‌هایی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ قرن نوزدهم میلادی به‌همت باستان‌شناسان داغستانی و بیش از همه دانشمندان آوار به دست آمد. برای مثال، در نزدیکی‌های «خونزاخ»، در جایی به نام «تدرال»^۱ گورستانی مسیحی کشف شد و در فاصلهٔ ۱۰-۱۵ کیلومتری این گورستان، آتایف، باستان‌شناس

^۱ Tadraal

آوار^۱ یک «چلیپاسنگ»^۲ ارمنی یافت که در موزه باستان‌شناسی داغستان نگهداری می‌شود. در سال ۱۹۵۷ گروه باستان‌شناسان داغستانی دو چلیپاسنگ دیگر با نوشته‌ای به گرجی کهن در نزدیکی همان تدرال پیدا کردند که متعلق به سده‌های دهم و یازدهم میلادی است. در دهه‌های بعد نیز در دهکده‌های آوار آثار دیگری یافت شد که گویای رواج مسیحیت در گذشته‌های دور در این منطقه است؛ از آن جمله‌اند: چلیپاسنگی در نزدیکی مدرسه خونراخ و نیز سنگ‌نوشته‌ای کوچک که بر روی آن عبارت «این است صلیب عیسی مسیح» به زبان گرجی نگاشته شده‌است. به‌نوشته آتایف (1963: 201 ff.) در نزدیکی ویرانه‌های یک معبد مسیحی در «تیدبه»^۳ نیز مجمری مفرغی یافته شده‌است.

باید توجه داشت که کاوش و پژوهش در باب ردّپای مسیحیت در آثار باستانی در مراحل ابتدایی آن قرار دارد و هنوز چنان که باید و شاید در این زمینه جستجوی کافی انجام نشده‌است، امید است در آینده‌ای نه‌چندان دور، آثار جدیدتری از چندوچون گسترش مسیحیت در این مناطق یافت شود و بر گوشه‌های تاریک این موضوع پرتو تازه‌ای افکند.

بحث

به‌غیر از آثار باستان‌شناسی، ردّپای مسیحیت در زبان‌های گوناگون مردم شمال قفقاز و همچنین در جاینام‌ها و نام‌های خاص دیده می‌شود که متأسفانه این داده‌های زبانی نیز هنوز به‌طور نظام‌مند مطالعه نشده‌اند.

گویاترین نشانه مسیحیت در میان قوم آوار، واژه *xʒanč* به معنی «صلیب» است که از *xac* در زبان ارمنی وام گرفته شده‌است. گونه‌های دیگر این اصطلاح در گویش‌های آواری به شکل‌های *xanč*، *xanč* و *gʒanč* دیده می‌شود. واژه *xac* در ارمنی از دیرباز، یعنی از کهن‌ترین آثار مکتوب این زبان – مانند ترجمه تورات – تاکنون، تنها اصطلاحی است که به معنی صلیب در این زبان کاربرد دارد. برای این واژه هنوز وجه اشتقاق قانع‌کننده‌ای پیشنهاد

¹ Avar

² *xac'k'ar*

³ Tidbeh

نشده‌است؛ ظاهراً باید یک واژه اصیل ارمنی و یا اثری از زیرلایه^۱ این زبان باشد. البته اخیراً گزینه ایرانی بودن این واژه نیز مطرح شده‌است که به‌زودی در فرهنگ ریشه‌شناسی زبان فارسی، اثر نگارنده این سطور، به‌تفصیل درباره آن بحث خواهد شد.

این واژه در زبان‌های دیگر قفقاز از جمله در درگینی^۲ به‌شکل *qqanc*، در لکی^۳ به همان گونه؛ یعنی *qqanc* و در اودی^۴ و لزگی^۵ به‌شکل *xač* ثبت شده‌است (نک. Абдуллаев, 2015: 197). در زبان‌های ایرانی و ترکی منطقه نیز برای پنداره صلیب همین وام‌واژه ارمنی رایج است: در گویش‌های کردی (کرمانجی) *xāč*، در ترکی آناتولی *kaç*، *kaç* و *haç*. جالب است که این لغت ارمنی برای مفهوم صلیب از قرن یازدهم میلادی در فارسی به‌شکل‌های **خاچ** و **خاج** و غالباً در کلمات مرکبی مانند «خاچ‌پرست» و «خاچوار» آمده‌است.

واژه دیگری از گروه اصطلاحات دینی مسیحی که ظاهراً باید خاستگاه ارمنی داشته باشد *gbatlan* در زبان آواری به‌معنی «معبد مسیحی» است، از این واژه، ترکیب *gbatlan-kzo* (Gasanov, 2001: 82; Саидова, 2008: 120). شایان ذکر است که در برخی از گویش‌های کنونی آواری مفهوم یکشنبه با واژه *bazar-kzo* بیان می‌گردد که از بازار فارسی گرفته شده‌است و به «یکشنبه‌بازار» اشاره دارد.

واژه *gbatlan* در آواری و به‌طورکلی در زبان‌های قفقازی، از جمله گرجی، هیچ‌گونه توجیهی ندارد، با فارسی یا ترکی نیز نمی‌تواند ارتباطی داشته باشد؛ بنابراین با در نظر گرفتن نقش مبلغان ارمنی در اشاعه مسیحیت در داغستان و شمال قفقاز، گزینه احتمالی منشأ این واژه زبان ارمنی است.

¹ substrate

² Dargin

³ Lak

⁴ Udi

⁵ Lezgi

لیکن در زبان ارمنی توجیه مناسبی برای ریشه‌ی این واژه نمی‌توان به دست داد. پنداره‌های کلیسا و معبد در این زبان برگرفته از زبان‌های یونانی و ایرانی‌اند^۱ و از نظر آوایی با *gʷatʰan* همخوانی ندارند.

پیشنهادی که برای وجه اشتقاق این واژه به نظر نگارنده رسیده است چنین است: با در نظر گرفتن نوسان آوایی *p/-gʷ-* در گویش‌های آواری (مثلاً *paḳʰir/gʷaḳʰir* یعنی «گدا» از واژه فقیر عربی، و یا *per/gʷer* یعنی «پیاز») می‌توان منشأ لغت *gʷatʰan* را به شکل **patan* بازسازی نمود که باید همان *patan* در زبان ارمنی باشد. البته از نظر معنایی توجیه این مسئله با دشواری روبرو است؛ زیرا *patan* در ارمنی به معنی «لغافه»، «پوشش»، «کفن» و «حصار» به کار می‌رود و همواره جنبه دینی داشته است؛ بنابراین اگر این حدس درست باشد باید گفت این اصطلاح از «جای پوشیده» یا «محوطه جدا» به «معبد» و «پرستشگاه» تحوّل معنایی یافته است.

با این همه، ارتباط *gʷatʰan* آواری با *patan* در ارمنی تا حدی جنبه فرضی دارد؛ زیرا از نظر معنایی حتی اگر *patan* ارمنی را تنها به معنی «حصار» تفسیر کنیم باز این سؤال پیش می‌آید که چرا مبلغان ارمنی برای معبد چنین واژه نامناسبی را انتخاب کرده‌اند. هنگام نگارش آخرین نسخه این نوشتار، دانشجوی خوش قریحه بنده، آقای امیر ضیغمی توجه مرا به پانوش مقاله‌ای از هنینگ (1944: 110, n. 1) جلب کردند که در آنجا، آن استاد فقید هنگام بحث درباره وجه اشتقاق کلمه ایوان در فارسی، به واژه عربی *فدن* به معنی «کاخ» اشاره کرده است. اگر در زبان آواری قانون تحوّل آوایی *f* آغازی به *p* (فقیر عربی < *paḳʰir* آواری) را مدنظر داشته باشیم پس *فدن* عربی که از جمع مکسر *افدان* استخراج شده است (قس. *apadāna-* در فارسی باستان) می‌تواند به راحتی به **padan* و سپس به *gʷatʰan* تحوّل یابد.

^۱ از جمله کلماتی مانند *tačar*، *eketeč'i* و *bagin* به ترتیب به معنی «کلیسا»، «معبد» و «محراب».

- Gasanov, M. (2001), "On Christianity in Dagestan", *Iran and the Caucasus*, vol. 5: 79-84.
- Henning, W. B. (1944), "Brahman", *Transaction of Philological Society*: 108-118.
- Абдуллаев, И. Х. (2015), *Междагестанские и межкавказские языковые контакты: Историко-этимологические, ареальные и ономастические исследования*, Махачкала.
- Атаев, Д. М. (1963), *Нагорный Дагестан в раннем средневековье*, Махачкала.
- Сайдова, П. А. (2008), *Диалектологический словарь аварского языка*, Москва.

On Two Christian Terms in the North Caucasian Languages

Garnik Asatrian

Russian-Armenian (Slavonic) University

Abstract

The article discusses two religious Christian terms in the North Caucasian languages, primarily in Avar, having an obvious Armenian background, *xač'* (cross), and *gьatJan*. If the first ascends undeniably to Armenian *xač'*, the second one defies a convincing interpretation. The author tries to trace its origin to a tentative Armenian protoform.

Keywords: *Хаč' (Cross), GьatJan, Avar Language, Armenian Language, Christian Terms*